

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و دوم تفسیر قرآن کریم 27 اردیبهشت ماه 1402

بسم الله الرحمن الرحيم

جزئیات بسمله در قرآن و سوره ها

در مورد بسمله برخی مباحث در علوم قرآنی و فقه جای می گیرد. دو بحث را پشت سر گذاشتیم که هر دو مربوط به علوم قرآنی بود: یکی اینکه آیا بسمله در قرآن جزء قرآن است و دومی اینکه آیا بسمله جزء سوره ها است. در پاسخ به این دو بحث ثابت شده که بسمله آیه ای از سوره حمد است و اگر جزء سوره حمد است پس جزء قرآن هم است ولی در مورد سایر سوره ها تامل کردیم و لذا نهایتاً گفتیم که جزئیتهای فی غیر فاتحة الكتاب لا تخلو من تأمل. مرحوم آقای میلانی هم بر همین عقیده و نظر هستند. سوال سوم:

پاسخ به سوال سوم که فقهی است امروز بررسی می شود. آیا قرائت بسمله در نماز لازم است یا لازم نیست؟ آیا قرائت بسمله در سوره حمد، سوره برائت و سایر سوره ها لازم است یا لازم نیست؟

نسبت به سوره حمد قرائت بسمله لازم است یعنی اگر کسی حمد را بدون بسمله بخواند نماز وی کافی نیست. پس برای سوره حمد به عنوان سوره حمد باید بسمله گفته شود. نسبت به سوره توبه واجب نیست و به شرط جزئیت اصلاً مشروع نیست. حالا کسی بگوید چون سوره توبه با برائت و غضب شروع می شود من بسم الله الرحمن الرحيم را می گویم که این نظر جای تامل و کار دارد ولی ظاهراً اگر صرفاً کار را با بسم الله شروع می کند شاید بگوئیم اشکال ندارد ولی اینکه بسمله را به عنوان جزئی از سوره بگوید اشکال دارد. پس کسی که در نماز بعد سوره حمد می خواهد سوره توبه را بخواند باید بدون بسم الله بخواند. نتیجه اینکه در نماز هنگام قرائت حمد بسمله باید گفته شود ولی در سوره برائت بسمله لازم نیست و در سایر سوره ها اگر گفتیم بعد از حمد سوره دوم لازم نیست (مخالف دارد، احتیاط شده و اکثریت می گویند واجب است بعد حمد سوره کامل خوانده شود) که هیچ ولی اگر بنا شد بعد حمد سوره کاملی خوانده شود و قائل به این هستید که سوره ها بسم الله دارند و بدون بسم الله سوره ها ناقص هستند در اینصورت باید در سوره بعد حمد بسمله گفته شود.

اگر کسی مانند آقای میلانی گفت سوره کامل لازم است ولی بودن بسم الله در این سوره کامل ثابت نیست، خب ممکن است در اینجا بگوئید اگر کسی تامل کرد، بسم الله را واجب نمی داند ولی بین عدم ثبوت جزئیت و عدم وجود بسم الله ملازمه ای نیست. آقای میلانی با اینکه در ثبوت بسم الله تامل کرده اند ولی گفته اند بسم الله در نماز باید گفته شود گوئی که جزئی از نماز است. وقتی بسم الله جزئی از نماز باشد ولی جزئی از سوره نباشد ثمره اش این است که در نماز آیات نمی توان بسم الله را مستقل حساب کرد. پس توجه شود که بنا بر عدم ثبوت جزئیت این احتمال وجود دارد بسمله مستقلاً واجب باشد چنانچه آقای میلانی بر این نظر معتقد هستند.

به نظر ما اگر کسی گفت ثبوت بسم الله برای جزئیت سوره ثابت نیست، به چه دلیل حتماً باید در نماز گفته شود؟ آقای میلانی گفتند وجوبها مع کل سورة عدا سورة البرائة لا ريب فيها و اما جزئیتهای فی غیر فاتحة الكتاب لا تخلو من تأمل، ما در جواب ایشان می گوئیم وجوبها مع کل سورة به چه بیانی است؟

البته آقای حکیم و آقای خوئی به گمان خودشان خواسته اند عبارت آقای میلانی را ثابت کنند که قانع کننده نیست.

خلاصه عبارت فوق

سوال) آیا قرائت بسم الله در نماز واجب است؟

پاسخ: قرائت بسم الله در سوره حمد واجب است، در سوره توبه واجب نیست و در سایر سوره ها اگر جزء سوره باشد و سوره

کامله هم واجب است پس قرائت بسمله هم واجب است؛ اما اگر گفتیم جزء سوره نیست یا تامل داشتیم یا اصلاً گفتیم قرائت سوره لازم نیست ولو بزرگانی هم گفته اند که باید بسم الله در نماز گفته شود به نظر ما ثابت نیست.

آقای کوه کمبری هم همین حرف آقای میلانی را دارد که جزئیت ثابت نیست ولی فتوا داده اند فی اول کل سورة لازم.

آقای میلانی و بقیه که این نظر را دارند به برخی روایات استناد کرده اند مثلاً روایت یحیی بن عمران حمدانی که از امام سوال می کند یک نفر در نماز فقط سوره حمد را با بسم الله شروع می کند ولی در غیر سوره حمد بسم الله را نمی گوید که امام در جواب می فرماید: یعیدها یعیدها. آقای میلانی و بقیه که بر این نظر اتفاق دارند در این روایت می گوید منظور امام این است که بسم الله را بگوید و نمی گویند که به عنوان سوره و جزء سوره بگوید. پس بسمله برای سایر سوره ها نه به عنوان سوره می تواند واجب باشد.

خب چه کنیم که این روایت معارض دارد. معارض صحیحه حلبی است که می گوید در غیر حمد بسم الله را بخوانم فرمودند: لا، دوباره می گوید اذا السحتق الصلاة فليقلها في اول ما يفتتح ثم يكفيه ما بعد ذلك، آقایان در اینجا می گویند این تقیه است چون اهل تسنن این کار را می کردند و روایت موافق اهل تسنن است حمل بر تقیه می کنیم. خب اگر حمل بر تقیه می کنید و فضا فضای تقیه بوده پس چرا در روایت یحیی بن عمران خلاف تقیه امام عمل کردند؟ معلوم است که خیل هم فضای تقیه نبوده، بعلاوه اگر دو روایت با هم تعارض داشته باشند و امکان جمع هم باشد چرا باید تقیه کنیم؟ اگر حمل دلالتی هم بتوان کرد نهایتاً می گوئیم مستحب است. یعیدها یعیدها حمل بر استحباب می شود تا تشبه با آنها پیدا نکند و روایت حلبی یا محمد بن مسلم شاهد باشد.

بنابراین جواب سوال سوم به نظر ما این است که بگوئیم وجوبها مع کل سورة غیر ثابت ولی نماز است و مرکز احتیاط. بخاطر همین جهاتی که علما دارند ما احتیاط می کنیم و می گوئیم بسم الله را در فضای طبیعی بگوید. احتیاط گفتن بسم الله است ولی در احتیاط واجب نمی گوئیم. در فتوا دادن احتیاط این است که هرچه اقتضای فتوا بود فرمان بدهی.

سوال چهارم:

طبق نظر مشهور اگر بنا شد هر سوره ای بسمله داشته باشد آیا لازم است قبل از شروع سوره بسم الله را برای آن سوره تعیین کرد؟ کسی به جای حمد نمی تواند سوره دیگری بخواند و برای همین بسم الله را به نیت حمد می گوید مگر اینکه کسی حواس اش نباشد و بعد بسم الله متوجه شود که باید حمد را بخواند این مورد قابل بحث نیست؛ پس بحث در مورد غیر حمد است. آیا تعیین بسمله به عنوان سوره ای که می خواهد بخواند قبل از گفتن بسم الله لازم است و لذا اگر بسم الله را بدون نیت گفت یا به نیت سوره ای خاص گفت و بعد، از خواندن همان پشیمان شد و خواست سوره ای دیگر بخواند دوباره باید بسم الله را بگوید. اینجا فیه خلاف شدید. برخی با اینکه می گویند بسمله جزء هر سوره هست می گویند تعیین سوره قبل از خواندن بسم الله لازم نیست مانند صاحب جواهر، صاحب عروه و خیلی از محشین عروه ولی طیف وسیعی قائلند که باید بسم الله را بگوید. بعضی از بزرگان گفته اند که این مساله عرفانی است و بسم الله هر سوره متعلق به همان سوره است و متعلق به فعل یا شبه فعلی در همان سوره است. مثلاً بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين یا بسم الله الرحمن الرحيم قل أعوذ برب الناس یا بسم الله الرحمن الرحيم قل أعوذ برب الفلق یا بسم الله الرحمن الرحيم إنا اعطيناك که در همه اینها بسم الله متعلق به فعل یا شبه فعل مناسبی است که بنده این مطلب را در سلسبیل آورده ام و بعد گفته ایم که ثمره بحث این است که باید تعیین شود. در مقاله با امام در تفسیر بسم الله هم این مطلب طرح شده است.

به نظر بنده این بیان و جاهت فقهی ندارد، بسم الله در هر سوره متعلق به فعل مناسب همان سوره است از کجا آمده مگر برای تبرک و تیمن باشد. بیانی و جاهت فقهی دارد که آقای حکیم و آقای خوئی دارند؛ اینها می گویند بنا شد سوره یک مجموعه باشد خب شما اگر 1000 بسم الله بگوئید و بعد قل هو الله بخوانید این بسم الله ها برای قل هو الله نیست چون به قصد سوره نیستند و شما بعد از حمد یک سوره کامل نخوانده اید.

به نظر ما بیان هر چند قوی است و جاهت فقهی دارد ولی قابل جواب دادن است. به گمان ما وقتی کسی یک سوره ای را بخواند ولو مشترک را به نیت سوره نگفته باشد، وقتی تمام شد می گویند ایشان سوره حمد را خواند یا سوره قل هو الله را خواند گویا انضمام بقیه سوره به بسم الله، بسم الله را برای این سوره قرار می دهد لذا اگر بنده بسم الله را نوشتم ولی به نیت قرآن نباشد و در ادامه سوره قل هو الله را هم کامل نوشتم و این بسم الله را می خواهم ضمیمه این سوره کنم قصد بعدی

انضمام در اینجا کفایت می کند. آقایان یک مقداری در نیت سخت گرفته اند ولو اینکه گفته اند ما نمی خواهیم سخت بگیریم. بنده گاهی تامل می کنم، اگر کسی مثلاً دو رکعت نماز خواند، اولاً به نیت امام زمان نخوانده و هر روز هم دو رکعت نماز برای امام زمان می خواند و با خودش بگوید این دو رکعتی که به نیت امام زمان نبوده هم به نیت ایشان باشد، در جواب ایشان می گوئیم در ابتدا باید تعیین کنید. در نیت تعیین سایر نمازها هم همین طور است یعنی نیت بتواند به عمل جهت بدهد حتی ملتزم می شویم که الشیء ینقلب أماً هو علیه. اگر اینطور بگوئیم به نظر بنده باید نظر صاحب عروه را تقویت کنیم که تعیین بسمله به عنوان سوره خاص قبل از شروع در نماز آیا لازم است؟ لازم نیست.